

## جایگاه اقتصادی آناتولی در عصر سلجوقیان و ایلخانان

سید ابوالفضل رضوی<sup>۱</sup>

### چکیده

با پیدایش حکومت سلجوقیان در آسیای صغیر، دوره جدیدی در تاریخ این منطقه آغاز شد و حیات اقتصادی-اجتماعی آن رو به رشد نهاد. تلاش‌های توسعه‌طلبانه سلاطین سلجوقی آسیای صغیر در کنار تحولات سیاسی و اقتصادی دنیای آن روز همچون ضعف امپراتوری بیزانس، وقوع جنگ‌های صلیبی، تشتت قدرت در منطقه و تهاجم مغول به جهان اسلام، آناتولی را در سده دوم حاکمیت سلجوقیان، به محل امنی برای تجارت و تولید کالاهای مختلف تبدیل کرد و موجبات توجه دنیا به این منطقه را فراهم آورد.

در قرون هفتم و هشتم هجری قمری، بیشتر راههای تجاری غرب و شرق به آناتولی می‌رسید و از آن طریق به بنادر دریای سیاه و مدیترانه راه می‌یافت. ملاحظات سیاسی و اقتصادی مورد نظر ایلخانان و شرایط مناسبی که امپراتوری گسترده مغول‌ها به وجود آورده بود نیز آناتولی را به یکی از پررونق‌ترین مناطق تجاری آن روزگار تبدیل کرد. آن چه در این مقاله مورد نظر قرار می‌گیرد، مطالعه جایگاه اقتصادی آناتولی در عصر سلجوقی و سهم سلاطین مقتدر این سلسله در رونق اقتصادی آن منطقه و همین‌طور موقعیت اقتصادی آن در عهد ایلخانان است.

**واژه‌های کلیدی:** آناتولی، سلجوقیان، ایلخانان، تجارت، ساختار اقتصادی.

## مقدمه

سرزمین آناتولی از قدیم‌ترین ایام اهمیت داشته و از حدود هزارهٔ دوم قبل از میلاد به این سوی محل برخورد اقوام و فرهنگ‌های مختلف بوده است. هیتی‌ها، فریگی‌ها، لیدی‌ها، اورارتویی‌ها، ایرانی‌ها، رومی‌ها، بیزانسی‌ها و سپس ترک‌ها بر تمام یا بخشی از این سرزمین سلطه افکنده و ضمن برخورداری از مزایای سیاسی و اقتصادی آن، بر سیر فرهنگی و تمدنی این خطه تأثیر گذاشته‌اند. این سرزمین که در ادوار مختلف تاریخی، اقوام و تمدن‌های مختلفی را به سوی خود کشانیده است، در زمان فتوحات اسلامی نیز مورد توجه مسلمانان قرار گرفت و قسمت اندکی از آن به تصرف ایشان درآمد. با وجود این نظر به موقعیت جغرافیایی منطقه و مقاومت امپراتوری بیزانس، مسلمانان در فتح آناتولی توفیق کاملی نداشته و مجموع تلاش آنها تا نیمهٔ دوم قرن پنجم هجری نتایج چندانی مشخصی دربرداشت (رک. مشکور، ۱۳۵۰: ۵۳-۵۱). نفوذ مسلمانان در آناتولی در نتیجهٔ تهاجمات ترکمن‌های سلجوقی حاصل شد و شکل‌گیری حکومت سلاجقه در این منطقه آن را گسترش داد.

سلجوقیان پس از استقرار در آناتولی و تثبیت موقعیت خویش در برابر دولت بیزانس، گویی به سرزمین موعود رسیده، فصل جدیدی در تاریخ منطقه آغاز کردند و آناتولی را در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی متحول نمودند. تحولات سیاسی و اقتصادی جهان آن روز و بویژه آنچه که ضعف موقعیت امپراتوری بیزانس را با خود می‌آورد نیز در این خصوص مؤثر واقع شد و سلجوقیان را در نیل به مقاصد خویش یاری کرد. با این وصف، پویایی اقتصاد و جامعهٔ سرزمین آناتولی از قرن پنجم هجری به بعد در پرتو حاکمیت سلجوقیان حاصل شده و اقدامات این حکومت که مدام درگیر کشمکش بر سر ادامهٔ بقا بود، سهم مهمی در این خصوص داشته است. البته رونق اقتصادی آناتولی به دورهٔ سلجوقیان محدود نبود و در عهد ایلخانان و دوران پس از آن نیز ادامه یافت. بویژه در نتیجهٔ شرایطی که در زمان ایلخانان به وجود آمد، اقتصاد منطقه، رشد زیادی کرد و موقعیت تجاری آن به حد اعلای خود رسید. باید توجه داشت که بخش مهمی از رونق اقتصادی و اجتماعی آناتولی در عهد سلجوقیان،

در سده دوم حکومت آنها که به نوعی با تهاجم مغولها به جهان اسلام و تحولات پس از آن در ارتباط بود حاصل شده است. از این روی باید در نظر داشت که بخشی از شرایطی که به رونق اقتصادی آناتولی در زمان ایلخانان انجامید به تحولات سیاسی-اقتصادی این عصر مربوط بوده است. آنچه که مقاله حاضر به آن می‌پردازد روشن کردن همین مهم یعنی جایگاه اقتصادی آناتولی در پرتو عملکردهای حکام سلجوقی و همین‌طور موقعیت اقتصادی آن در زمان ایلخانان می‌باشد. در همین جهت سؤالی که مطرح می‌شود این است که شرایط سیاسی حاصل از حاکمیت سلاجقه و ایلخانان در سیر تحول اقتصادی آناتولی چه تأثیری داشته است؟

### اهمیت و جایگاه اقتصادی آناتولی در تاریخ

آناتولی، نامی که یونانی‌های قدیم به سرزمینهای منتهی‌الیه غرب آسیا داده‌اند، سرزمینی شبه جزیره‌ای شکل است که میان دریاهای مدیترانه، اژه، مرمره و سیاه واقع شده است. این سرزمین که روزگاری از طرف یونانی‌ها به عنوان سراسر آسیا شناخته می‌شد و پس از تکمیل دانش آنها پیرامون آسیا، آسیای صغیر نامیده شد، حدود ۷۵۰ مایل درازا و ۳۰۰ تا ۳۷۵ مایل پهنا دارد. اقلیم و جغرافیای آناتولی موقعیت مناسبی برای آن به وجود آورده بود و از همان ازمنه قدیم، زمینهای رشد دامپروری، کشاورزی و تجاری را در خود داشت. هرچند بخشی از منطقه، کوهستانی بود و راه ارتباط آناتولی را با مناطق شرقی‌تری همچون ایران یا عراق با مشکل مواجه می‌کرد، اما دیگر نواحی آن موقعیت مناسبی داشت و زمینهای ارتباطی آن با دیگر مناطق هموار بود. (Cahen, 1986: 61-63) همین زمینهای رشد، آناتولی را مورد توجه مردمی با قومیت، نژاد و فرهنگهای مختلفی قرار می‌داد و تحت تأثیر کنش و تعامل میان آنها زمینهای پیدایش تمدنهای در خور ستایشی را در آن فراهم می‌آورد (Ibid). همین عوامل موجب جلب توجه صاحبان قدرت به این منطقه می‌باشد.

این منطقه به لحاظ سیاسی و نظامی، صحنه پیکار شرق و غرب بود و به لحاظ اقتصادی جزء پررونق‌ترین مناطق به شمار می‌رفت. به لحاظ فکری و فرهنگی هم به مثابه میدان تنازع افکار ملل مختلف به حساب می‌آمد. از هزاره اول قبل از میلاد قسمتهای مهمی

از آناتولی به خصوص بخش‌های علیای رودخانه‌های فرات و هالیس، عرصه فعالیت بازرگانان آشوری بود و اراضی غربی این منطقه، تحت نفوذ اقتصادی یونانی‌ها قرار داشت. جاده تجاری معروفی که بعدها در عصر امپراتوری هخامنشی «راه شاهی» نامیده شد و ممالک «لیدی» را به «مادیانا» وصل می‌کرد نیز نخستین بار توسط همین بازرگانان آشوری مورد استفاده قرار گرفته است. قبل از اینکه هخامنشی‌ها بر آسیای صغیر استیلا پیدا کنند، تحت سلطه اقوام لیدیایی و ایونیایی، اقتصاد شهری پروونقی در منطقه رواج داشت. بویژه صنعتگران و تجار لیدیایی که در حرفه‌های خویش پیشرفت زیادی کرده بودند در هنر فلزکاری و ساخت اشیاء تجملی، کارآمد بودند و برای نخستین بار در تاریخ، با ضرب سکه، به اقتصاد مبادله‌ای رسیده بودند. دیگر بخش‌های آسیای صغیر همچون «کاری» و «میسیه» نیز مناطق تجاری محسوب می‌شدند که در زمینه تجارت و صنعت پیشرفت زیادی کرده بودند. تحت تأثیر امپراتوری گسترده و منسجمی که در زمان هخامنشی‌ها به وجود آمد، اقتصاد تجاری آناتولی رشد بیشتری کرد و در نتیجه رونق شهرهای مهمی که در مسیر جاده شاهی قرار داشتند، پویایی خاصی در اقتصاد و جامعه این منطقه به وجود آمد. شهرهایی همچون سامسون، سیواس، توقات، سینوپ، قیساریه، سارد و آکمونیا علاوه بر اینکه در مسیر جاده شاهی قرار داشتند با مناطق ساحلی نیز مرتبط بودند و از مزایای تجارت دریایی و ارتباط فرهنگی با یونان نیز بهره می‌گرفتند (مشکور، ۱۳۵۰: ۳۸، ۴۵-۴۴). با قدرت‌گیری رومی‌ها پیکار میان شرق و غرب (ایرانی‌ها و رومی‌ها) در آناتولی متمرکز شد و با وجود درگیری‌های دائمی، آناتولی از آبادترین مناطق به شمار می‌رفت. در این زمان، آسیای صغیر یکی از پرجمعیت‌ترین بلاد جهان، و شهرهای ثروتمند آن از معمورترین بلاد مشهور دنیای قدیم به شمار می‌رفتند. رومی‌ها با ایجاد شبکه وسیعی از جاده‌ها و کاروانسراها شهرهای منطقه را به هم متصل کرده و با گسترش مجاری آبرسانی، زمینه‌های توسعه کشاورزی را نیز امکان‌پذیر کرده بودند (Cahen, 1986: 476). بخش مهمی از آنچه که تمدن رومی و سپس بیزانسی نامیده می‌شد در آسیای صغیر نمود ویژه داشت و در غنای اقتصادی و فرهنگی منطقه بسیار مؤثر بود. بدون شک پس از تصرف بخش‌هایی از آناتولی توسط مسلمانان در قرن اول هجری و سپس تکمیل این فتوحات در قرن پنجم هجری، فضای

موجود در منطقه به مسلمانان به ارث رسید و در چالش و تعامل فکری مسلمانان و مسیحیان و رشد مبادلات تجاری میان آنها تأثیر مثبت گذاشت. اگرچه مسلمانان تا زمان قدرت‌گیری سلجوقیان موفق به تسخیر بخش‌های قابل توجهی از آناتولی نشده بودند و سلسله کوه‌های توروس و آنتی‌توروس، مانع محکمی در مسیر پیشرفت آنها بود اما از طریق معابر مهمی که جغرافیدانان مسلمان آنها را «نغر» می‌نامیدند با شهرهای آن سوی توروس و آنتی‌توروس مناسبات تجاری داشتند و از رونق اقتصادی منطقه بهره‌برداری می‌کردند (آناتولی، ۱۳۵۴: ۲۱۲-۲۱۱). با تمامی اینها آنچه که به اهمیت اقتصادی و فرهنگی آناتولی و ارتباط آن با تاریخ ایران و اسلام مربوط می‌شود از عصر قدرت‌گیری ترکمن‌های سلجوقی آغاز شده است.

قبل از اینکه به جایگاه اقتصادی آناتولی در دو عصر سلجوقی و ایلخانی پرداخته شود توجه به وضعیت سیاسی-اجتماعی خاصی که از مدتی قبل از سلطه مغولها بر منطقه حاکم شده بود و ارتباط آن با اقتصاد سیاسی منطقه نیز ضروری است. در این ایام، اقتصاد، جامعه و حکومت آسیای صغیر از نوع کارکرد سه جریان مهم فتوت، تصوف و بازار، تأثیرپذیر بود و چگونگی ساختار جامعه بر پایه روابط متقابل این سه پدیده که با ساخت سیاسی حاکم نیز ارتباط مستقیم داشت صورت مشخص به خود می‌گرفت. همزمان با سده دوم حکومت سلجوقیان و پس از اینکه فتوت، ارتباط مستقیم با سیاست را کنار گذاشت میان مشاغل و حرف مختلف و «انجمن‌های فتوتی» ارتباط دوجانبه‌ای برقرار شد و بازاریان در سلک فتیان و در چارچوب «لنگرها» رویکرد اقتصادی، اجتماعی همسویی در پیش گرفتند. از این روی به موازات ایفای نقش در تأمین معاش مردم، رهبری معنوی و هدایتگری توده‌های مسلمان را نیز به دست گرفتند و در راستای اعمال عدل و امنیت قدم برداشتند (واعظی کاشفی، ۱۳۵۰: ۷۸-۷۹).

اهل فتوت که برپایه آیین جوانمردی می‌زیستند در سرزمین آناتولی با عنوان «**اخیان**» معروف بودند و در حیات سیاسی و اقتصادی منطقه نقش تأثیرگذاری داشتند. در سفرنامه ابن بطوطه از فتیان آناتولی با عنوان «**اخیه الفتیان**» یاد شده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۲۴).

اخیان آناتولی به ویژه از زمانی که نصیرالدین محمود موسوم به اخی اورن مرید و داماد اوحدین کرمانی در رأس تشکیلات آنها قرار گرفت، فعالیت‌های گسترده‌ای را آغاز کردند و به ویژه در مقابل مغول مقاومت جدی نشان دادند. آنها که به حرف و پیشه‌های مختلفی مشغول و از حمایت جدی ترکمن‌ها برخوردار بودند در رونق اقتصادی منطقه و پویایی حیات سیاسی و اجتماعی آن نقش به‌سزایی داشتند. به خصوص اینکه زنان اخیان نیز تحت رهبری فاطمه باجی، همسر اخی اورن، تشکیلات خاص خود داشتند، طبیعی بود که حوزه کارکردهای آنها گسترده نیز باشد (رک. اوجاق و بایرام، ۱۳۸۷: ص ۵۹-۱۵۸، ۸۶-۱۸۴). همزمان با سفر ابن‌بطوطه در اوایل قرن هشتم هجری اخیان آناتولی تشکیلات صنفی و مراکز خاص خود داشتند و «... در هر شهر و آبادی و قریه از بلاد روم...» فعالیت می‌کردند (ابن‌بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۴۸). این جهانگرد از کارکرد گسترده اخیان و جایگاه اقتصادی و اجتماعی آنها در شهرهای مختلفی همچون: لاذقیه، طواس، قونیه، آق سرا، نکه، قیساریه، سیواس، آماسیه، گمشخانه، ارزنجان، ارزروم، برگی، تیره، مغنسیا، بلی کسری، بروسه، کاویه، کینوک، قسطنطنیه، سینوپ و ... یاد کرده و نفوذ گسترده آنها در این شهرها را متذکر شده است (رک. همان: ۸۴-۳۵۸).

کارکرد فتوت به عنوان یک جریان شهری که معمولاً با اصناف و بازار ارتباط مستقیم داشت، به سبب شرایط اقتصادی و سیاسی خاص آناتولی حوزه‌ای وسیع‌تر داشت و چنان که ابن‌بطوطه گزارش می‌دهد در برخی روستاها نیز از جایگاه قابل توجهی برخوردار بود (همان: ۳۷۵). این در حالی بود که نهاد تصوف هم به عنوان پدر معنوی فتوت در منطقه حضور فعال داشت و مکمل دو نهاد بازار و فتوت به حساب می‌آمد (رک. گولپنارلی، ۱۳۸۴: ۶۰-۵۸؛ ابن‌بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۶۱، ۳۶۹، ۳۷۳). در حالی که خرده‌ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منطقه در پرتو کنش و تعامل این سه نیرو جهت‌گیری واحدی داشتند، نظام‌های سیاسی حاکم بر منطقه نیز نمی‌توانستند نسبت به جو غالبی که آنها ایجاد کرده بودند بی‌تفاوت باشند. از این روی با گذشت زمان، میان ساخت سیاسی منطقه و این سه جریان ارتباطی تنگاتنگ به وجود آمد و اقتصاد، جامعه و حکومت خطه آناتولی رویکرد همسانی در پیش گرفت. بدون شک در چگونگی سیر تاریخ تصوف و فتوت و چگونگی

کارکردهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها، سرزمین آناتولی بهترین منطقه‌ای است که این تحولات در آن به وقوع پیوسته است. به ویژه، از اواخر عهد سلجوقی تا اواخر عهد ایلخانی نمودهای این موضوع بیشتر خود را نشان می‌دهد. به طور قطع، پیشینه تاریخی این منطقه و نفوذ گسترده فرهنگ و سنن ایرانی در آنجا که از زمان سلجوقیان آغاز و در دوره مغول به اوج خود رسید تأثیرات فوق العاده‌ای در این خصوص داشته است. روی آوردن قشر عظیمی از متواریان در برابر مغول و مشکلات سیاسی-اجتماعی که پس از تهاجمات مغولها در این منطقه به وجود آمد نیز در این زمینه بی‌تأثیر نبود. به ویژه در اواخر عهد ایلخانی که به نوعی موقعیت سیاسی مغولها در آناتولی متزلزل شد و امیر نشین‌های چندی در این منطقه به وجود آمدند، این موضوع تشدید و «فتیان» به مانند «متصوفه» برحوزه نفوذ گسترده (گولپنارلی، ۱۳۶۶: ۲۱-۱۶). در هنگام سفر «ابن بطوطه» به این منطقه نفوذ گسترده اهل فتوت و مشارکت وسیع آنها در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی امری عادی بود و «اخیان» نقش مهمی در عرصه حیات شهرها داشتند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۸-۳۴۷، ۳۵۱-۵۳، ۵۹-۳۵۸، ۶۲-۳۶۱، ۷۲-۳۶۸، ۳۸۲، ۳۸۵). در این خصوص موقعیت اقتصادی منطقه و نوعی تساهل و پویایی حاکم بر آن سهم زیادی داشته است. در عصر ایلخانان و بویژه در اواخر این دوره تحت تأثیر اقلیم و فضای حاکم بر آنجا قدرتهای موجود از این زمینه‌های مناسب استفاده کردند و ظهور و تداوم بسیاری از آنها در نتیجه ارتباط مستقیم با همین عناصر تأثیرگذار در ساختار حیات جمعی بوده است.

### حکومت سلجوقیان، آغازگر توسعه آناتولی

حکومت سلجوقیان در آناتولی به دنبال فتوحات زمان «آلب ارسلان» (۶۵-۴۵۵ ه. ق) و عملکردهای ماجراجویانه ترکمن‌های سلجوقی که در زمان ملکشاه دنبال شد به وجود آمد. پس از نبرد «ملازگرد»، ترکمن‌های سلجوقی، قلمرو خویش را بسط داده و با فتح «نیقیه» به فرماندهی «سلیمان بن قتلش» در سال ۴۷۱ ه. ق اعلام استقلال نمودند. بدین ترتیب دوره جدیدی در تاریخ سلاجقه این قسمت از امپراتوری سلجوقی آغاز شد. از این پس تا زمان مرگ سلیمان بن قتلش در سال ۴۷۹ ه. ق قلمرو سلجوقیان در روم گسترش زیادی

یافت و دخالت‌های «ملکشاه» (۸۵-۴۶۵ ه. ق) در دوره پس از مرگ سلیمان نیز نتوانست موقع این دولت را تضعیف نماید (مشکور، ۱۳۵۰: ۸۰-۷۹). در فاصله زمانی سلطنت «قلیچ ارسلان اول» (۵۰۱-۴۸۵ ه. ق) تا آخر عهد «قلیچ ارسلان سوم» (۶۰۱-۶۰۰ ه. ق)، دورانی که بیش از صد سال به طول انجامید، حکومت سلجوقیان روم تحولات مختلفی از سر گذراند که مهمترین وجه آن تلاش دائمی در جهت فائق آمدن بر مشکلات سیاسی- نظامی موجود و تثبیت موقعیت سیاسی بود. در این دوران موقعیت سیاسی سلاجقه روم تابع تحولات چندگانه‌ای بود که نوع روابط آنها با امپراتوری بیزانس، مناسبات ایشان با حکومت‌های محلی منطقه و قدرتهای همسایه، برخورد آنها با صلیبی‌ها و شخصیت و عملکرد خاص سلاطین، چگونگی آن را تعیین می نمود. در خصوص حاکمیت ترکمن‌ها بر منطقه آناتولی نکته قابل توجه این است که سلطه آنها با تخریب و انحطاط گسترده اقتصادی و اجتماعی همراه نبوده است. ورود آنها در همه جای این منطقه ویرانی به دنبال نداشته و در مقایسه با دیگر کوچ‌نشینانی که به آسیای صغیر وارد شده‌اند زیانهای کمتری وارد کرده‌اند. رفتار آنها با دهقانان منطقه نیز خوب بوده و در مقایسه با دوره حاکمیت بیزانس شیوه‌های مالیات‌گیری آسان‌تری داشته‌اند (Cahen, 1986: 155-156).

اگر تحولاتی را که در این فاصله زمانی رخ داد، تلاش در جهت تثبیت موقعیت سلجوقیان روم به شمار آوریم، دوران جدیدی را که از زمان مرگ «غیاث‌الدین کیخسرو اول» (۶۰۷-۶۰۱ ه. ق) آغاز می‌شود می‌توان دوران اوج قدرت سیاسی و اقتصادی سلجوقیان این خطه به حساب آورد. این دوران که در حدود چهل سال دوام داشت به لحاظ سیاسی و اقتصادی دوران ویژه‌ای در تاریخ سلاجقه آسیای صغیر به حساب می‌آید. در این دوران سلاطین مقتدری همچون: «غیاث‌الدین کیخسرو اول» (۶۰۷-۶۰۱ ه. ق)، «عزالدین کیکائوس اول» (۶۱۶-۶۰۸ ه. ق) و مهم‌تر از آنها «علاءالدین کیقباد اول» (۶۳۴-۶۱۶ ه. ق) تمامی هم خود را مصروف حفظ موجودیت قدرت سلجوقیان، گسترش قلمرو و تأمین امنیت و ثبات نمودند و در پرتو تلاشهای ایشان شرایط مناسبی در راستای توسعه اقتصادی آناتولی فراهم آمد. این شرایط که تا آخر عهد حکومت ایلخانان در ایران و تا دیرزمانی پس از آن باقی ماند از موقعیت خاص جغرافیایی، استراتژی و سیاسی آناتولی ناشی



می‌شد و چنانچه خواهد آمد نقش مهمی در رونق منطقه و نزدیکی شرق و غرب جهان آن روز و بویژه غرب آسیا و اروپا داشت (آناتولی، ۱۳۵۴: ۲۱۴).

در خصوص شرایطی که زمینه رشد اقتصادی آناتولی را به طریق فوق فراهم آورد در نگاه اول باید به تلاشهای توسعه طلبانه سلطان «غیاث‌الدین کیخسرو اول» (۶۰۷-۶۰۱ ه. ق) اشاره کرد. دوران کوتاه سلطنت وی که با واقعه مهم جنگ صلیبی چهارم و سقوط خاندان پالولوگوس از قسطنطنیه و در نتیجه ضعف موقع این امپراتوری همراه بود (رانسیمان، ۱۳۶۰: ۳/ ۵۳-۱۴۵) این فرصت را به او داد که با فتح بندر مهم «آنتالیا» در ساحل مدیترانه (۶۰۵ ه. ق) قلمرو خویش را به لحاظ اقتصادی رونق ببخشد و به لحاظ سیاسی جایگاه برجسته‌ای به دست آورد (Cahen, 1986: 163). اقدامات غیاث‌الدین کیخسرو که با مبارزه همیشگی با وابستگان به امپراتوری بیزانس و حکومت‌های محلی منطقه نقش مهمی در ایجاد امنیت و ثبات قلمرو سلجوقیان داشت، در زمان جانشینان او یعنی «عزالدین کیکاوس اول» (۶۱۶-۶۰۸ ه. ق) و «علاء‌الدین کیقباد اول» (۳۴-۶۱۶ ه. ق) نیز دنبال شد و زمینه توسعه اقتصادی منطقه را هموارتر نمود. فتح مجدد آنتالیا که پس از فتح اولیه آن توسط غیاث‌الدین کیخسرو از دست بیزانس بار دیگر به دست مسیحیان (صلیبیون) افتاده بود، تصرف بندر مهم «سینوپ» و دیگر نواحی ساحلی دریای سیاه، برتری در مقابل ارمنه و نفوذ در ارمنستان صغیر، تلاش در جهت مقابله با ایوبیان و نفوذ بیشتر در جزیره و شام به عنوان بخشی از تلاشهای زمان عزالدین کیکاوس، و مهمتر از اینها فتوحات زمان علاء‌الدین کیقباد، حکومت سلجوقی روم را از هر نظر مورد توجه و در دیدرس دول تجاری اروپایی قرار داد. علاء‌الدین کیقباد که با فتح بندر «علائیه» (کالانوروس) و ایجاد قوای بحریه و برپایی تأسیسات صنعتی و تجاری در این شهر بندر، فتح «سوداق» در سواحل شمالی دریای سیاه و بیرون راندن ژنواییان از آنجا به عنوان حاکمی مقتدر جلوه می‌کرد در حوزه جزیره، ارمنستان صغیر و شام نیز فتوحاتی کرد و در ضمن آن با جهت‌گیری‌های سیاسی- نظامی مناسب، موقعیت قابل توجهی به دست آورد (TarihII, 1993: 283-84؛ ابن بی بی، ۱۹۰۲: ۱۵۳-۵۱). به علاوه شهرهای مهم آناتولی اعم از سیواس و ارزنجان و آماسیه و ارزنجان و قونیه و قیصریه را تعمیر کرد و حصارهایی از سنگ

برای آنها ساخت و امنیت این شهرها را تثبیت نمود (رک. مستوفی، ۱۳۸۱: ۴۹-۴۶). بویژه اینکه در این زمان ایران سیل تهاجم مغول را از سر گذرانده و مغولها به آناتولی نزدیک شده بودند، علاءالدین کیقباد پس از درگیریهای پیروزمندانه‌ای که با جلال‌الدین خوارزمشاه داشت سعی در نزدیکی به مغولها نمود و با اطاعت از «لوکتای قآن»، دولت خویش را در برابر این مهاجمین بیمه کرد (ابن‌واصل، ۱۳۶۹: ۳۴۸).

این‌گونه اقدامات سلاطین سلجوقی به تثبیت موقعیت سلجوقیان در برابر ایوبیان، گرجیان، ارامنه، و دیگر دشمنان محلی انجامید و در کنار رونق فوق‌العاده بنادر شام که در این زمان در اختیار صلیبیون بود، موقعیت تجاری آناتولی را بهبود بخشید (رانسیمان، ۱۳۶۰: ۳۱-۴۳؛ ابن‌واصل، ۱۳۶۴: ۴۱۸؛ آقسرایبی، ۱۹۴۳: ۲۲-۱۹). اهمیت تجاری آناتولی که نخست به علت موقعیت جغرافیایی خاص آن و سپس در پرتو تلاشهای سلاطین سلجوقی به دست آمده بود، موجب توجه دول اروپایی و بویژه ونیزی‌ها و قبرسی‌ها به منطقه شد و برای اولین بار معاهدات و قراردادهای تجاری قابل توجهی در این خصوص منعقد شد. به خصوص دولتشهر ونیز که پیشینه و نفوذ تجاری بیشتری در شرق نزدیک داشت به سلجوقیان نزدیکتر شد و در راستای منافع تجاری مذاکرات خاصی میان آنها و سلاجقه صورت گرفت. ونیزی‌ها که مدت‌ها قبل از شروع جنگهای صلیبی از طریق امپراتوری بیزانس با مناطق مسلمان‌نشین شام ارتباط تجاری داشتند، در طول جنگهای صلیبی و به خصوص پس از جنگ صلیبی چهارم و نقش‌آفرینی در سقوط خاندان پائولوگوس، حوزه فعالیت خویش را وسعت بخشیدند، آناتولی را منطقه مناسبی تشخیص دادند و در همین جهت سعی در نزدیکی به حاکمان آن نمودند. در این ایام روابط ونیزی‌ها با سلاجقه ابتدا از طریق بندر آنتالیه و سپس از طریق دریای سیاه انجام می‌گرفت. امتیاز استفاده از موقعیت تجاری بندر آنتالیه در زمان حکومت «کیخسرو اول» (۵۹۳-۵۸۵ ه. ق.) به ونیزی‌ها اعطا شده بود و بعدها به وسیله «عزالدین کیکاوس اول» (۶۱۶-۶۰۸ ه. ق.) و «علاءالدین کیقباد» (۶۳۴-۶۱۶ ه. ق.) نیز تجدید شده بود. در امتیاز واگذار شده از طرف علاءالدین کیقباد که در اصل تجدید قرارداد زمان کیخسرو بوده و تاریخ ۱۲۲۰م را دارد رسوم و مالیاتهای تجاری به شدت کاهش یافته بود. حقوق گمرکی کالاهای مورد تجارت که تا قبل از این زمان، ده درصد

ارزش کالاهای مورد تجارت بود به دو درصد کاهش یافته و برخی محصولات همچون غلات، سنگهای قیمتی، جواهرات، طلا و نقره غیر مسکوک، فلزاتی که بر روی آنها کاری صورت گرفته بود و مروارید و سنگهای قیمتی از هر گونه مالیات معاف بودند. در این معاهده تجاری، بازرگانان ونیزی دارای حق مصونیت جانی و مالی بودند و ضمن اینکه خسارات ناشی از خطرات احتمالی را دریافت می‌کردند در اداره امور خویش از استقلال حقوقی برخوردار بودند. حتی اگر کشتی‌های تجاری آنها در هم می‌شکست دولت سلجوقی هزینه‌های آن را می‌پرداخت. به تجار ونیزی حق مصونیت قضایی داده شده بود. در دعوی حقوقی ایشان با یکدیگر قضات مسلمان حق دخالت نداشتند و قضات رسیدگی‌کننده از طرف ونیزی‌ها انتخاب می‌شدند (3: storia, 2002).

عرصه دیگر فعالیت تجار ونیزی که آنها را به قلمرو ترکان مربوط می‌کرد حوزه دریای سیاه بود. در این منطقه بر سر بهره‌برداری از منافع تجاری میان ونیزی‌ها، ترکها و امپراتوری ترابوزان رقابتی شدید وجود داشت. اما در نهایت این ترکها بودند که در پرتو نیازهای تجاری خویش و بویژه تأمین خز، عسل و برده از سواحل کریمه ابتکار عمل را به دست گرفتند و در سال ۱۲۲۳م بندر «سوداق» (در سواحل کریمه) را فتح کردند. این امر که تا زمان سلطه اولوس‌جوجی بر سواحل دریای سیاه ادامه یافت توجه فوق‌العاده حکام سلجوقی را به تجارت بحری نشان می‌دهد (3: storia, 2002; 166-67: Cahen, 1986).

جزیره قبرس هم که به عنوان پایگاه تجاری بازرگانان مسلمان و مسیحی موقعیت ویژه‌ای داشت و به خصوص در مناسبات تجاری آناتولی، مصر و اروپا نقش میانجی ایفا می‌کرد، سعی در نزدیکی به حکام سلجوقی نمود و از جمله این دولت را در فتح «آنتالیا» به وسیله «عزالدین کیخسرو اول» در سال ۱۲۰۶م یاری نمود (2: storia, 2002). قبرس که با نزدیکی به ترکان، موقعیت خود را در منطقه تثبیت کرده بود در سال ۱۲۳۶م یک معاهده تجاری با ترکان منعقد کرده بود که امتیازات اقتصادی و حقوقی قابل توجهی در خود داشت (66-165: Cahen, 1986).

از اواخر قرن دوازدهم میلادی شواهد زیادی از تجارت سازمان‌دهی شده در آناتولی در دست است. تلاش سلاجقه برای حفظ برتری خود در بنادر «سیواس و سامسون»، بنداری که محل ملاقات تاجرانی که از سوریه و بین‌النهرین و روسیه و قیچاق می‌آمدند، به حساب می‌آمد، فتح «سینوپ» در اندک زمانی بعد و فتح آناتالیا در ساحل جنوبی به طور مشخص در نتیجه برنامه‌ریزی‌های تجاری بوده است (Cahen, 1986: 165). فتح «آناتالیا» و اندک زمانی بعد فتح «علائیه» و دیگر نواحی ساحلی دریای سیاه و مدیترانه در زمان علاءالدین کیقباد سهم زیادی در تثبیت موقعیت اقتصادی سلجوقیان داشت که از آن جمله تسلط ترکان بر راههای اصلی آناتولی بود. جاده‌هایی که در این زمان تسلط بر آنها منافع تجاری زیادی برای سلجوقیان به همراه داشت، دو مسیر عمده داشت. یک جاده که از مناطق شرقی و از جمله ایران می‌آمد به «سیواس» می‌رسید و از آنجا به «آنقره» و سپس به «نیقیه» می‌رفت و سرانجام به قسطنطنیه می‌رسید (Storia, 2002: 2). پس از سقوط خاندان پالتولوگوس در جنگ چهارم صلیبی (۱۲۰۴ م / ۵۸۹ هـ.ق) تجارت این راه به دست ونیزی‌ها افتاد. راه دیگر که مسیر شمالی- جنوبی آناتولی را طی می‌کرد اهمیت بیشتری داشت. این راه از یک طرف «سیواس» را از طریق قیصریه به بنادر «علائیه» و «آناتالیه»، «آرمناک» و بنادر شام و ارمنستان وصل می‌کرد و از طرف دیگر به دریای سیاه می‌رسید و از طریق بنادر «سینوپ» و «سامسون» به طرف بنادر «کریمه» در سواحل شمالی دریای سیاه امتداد می‌یافت (Cahen, 1986: 163). تسلط سلاجقه بر راههای اخیر به دنبال فتح آناتالیه در سال ۱۲۰۶ م و سپس فتح سینوپ در سال ۱۲۱۸ م (در زمان علاءالدین کیقباد) صورت گرفت. در این زمان آناتالیا و علائیه دو مرکز مهم تجاری جنوب آناتولی بودند و تجارت بسیار گسترده‌ای با مصر، شام و اروپا داشتند. چوب، قیر، برده، گندم و محصولات دیگر از بنادر تجاری اخیر به مصر صادر می‌شد و ادویه، کتان، شکر و دیگر تولیدات مصر را به این بنادر می‌آوردند. همین طور بازرگانان اسکندریه، شام و کشورهای اروپایی به این دو بندر می‌آمدند و از مسیر راه جنوبی- شمالی، به سینوپ و سامسون و از راه دریای سیاه به بنادر «سوداق» و «کافا» در کریمه می‌رفتند. در این زمان شعاع فعالیت‌های تجاری آناتولی از جنوب روسیه تا شام و شمال آفریقا و اروپا گسترده بود و اقتصاد منطقه از رونق زیادی

برخوردار بود (Storia, 2002: 3). بویژه در زمان علاءالدین کیقباد این رونق اقتصادی به حد اعتلای خود رسید و سلطان مقتدر سلجوقی با امضای معاهدات و اعطای امتیازات تجاری قابل توجه به تجار اروپایی نقش مهمی در این خصوص ایفا کرد. در این زمان «ونیزیان» به یمن تسلط بیشتر بر تجارت مدیترانه و شام و ارتباط مستمر با بنادر «صلیبی‌نشین» در شهر «قونیه»، کنسولگری داشتند و زنوائیان که بیشترین فعالیتشان متوجه دریای سیاه و بنادر کریمه بود و با خاندان امپراتوری ترابوزان روابط نزدیک داشتند در شهر «سیواس» کنسولگری ایجاد کرده بودند (Storia, 2002: 4). به علاوه سلطان سلجوقی با ایجاد کاروانسراها، مریض‌خانه‌ها و دیگر بناهای عام‌المنفعه در شهرها و مسیرهای تجاری رفت و آمد بازرگانان را تسهیل کرد و در رویکرد گسترده تجار اروپایی به منطقه نقش مهمی ایفا نمود. از این منظر، ساخت کاروانسراها که به طور مشخص در خدمت تجارت بود از همه مهمتر می‌نمود. تعداد این کاروانسراها که نخستین بار در زمان سلطنت «قلیچ ارسلان دوم» (۸۴-۵۵۱ ه.ق) ساخته شدند به تدریج رو به فزونی نهادند. علاوه بر سلاطین سلجوقی اشراف و نجبا نیز به ساخت کاروانسرا مبادرت می‌کردند و در این زمینه از یکدیگر پیشی می‌گرفتند. در نیمه قرن سیزدهم میلادی در این منطقه حدود سی کاروانسرا گزارش شده است. بر اساس نوشته‌های «ابن سعید» که در اوایل قرن هفتم هجری می‌زیسته و «کاهن» مطالب خود را از او گرفته است در مسیر راه «قیصاریه» به «سیواس» بیست کاروانسرا وجود داشته است. ایجاد پل بر روی رودخانه‌ها همانند پلی که بر روی «فزل ایرماق» ساخته شده بود و پلهای چندی که بعدها در دوره ایلخانان ساخته شدند نیز تا حد زیادی در خدمت اهداف تجاری بوده است (Cahen, 1986: 167-68, nejat, 1997: 213).

این رونق تجاری که نگاه گسترده اروپاییان را به آناتولی معطوف کرده بود حاصل موقعیت صنعتی و معدنی خاص منطقه نیز بود. در آناتولی عهد سلجوقی معادن مختلفی استخراج می‌شد و صنعت و تجارت آن در کنار یکدیگر رو به رشد بود. بویژه استخراج «شاب» (زاج سفید) مورد توجه فراوان بوده و تجارت آن با سود زیادی همراه بود. زاج که در صنایع بافندگی مورد استفاده قرار می‌گرفت، بسیار کمیاب بود و از این جهت که نمونه

استخراجی آن در آناتولی از مورد مشابهش در فرانسه، که احتمالاً از مصری‌ها خریداری می‌شد، بهتر و از آنچه در مصر عرضه می‌شد کم هزینه‌تر بود، متقاضیان بیشتری داشت. سندی که از استخراج زاج در آناتولی عصر سلطه بیزانس خبر دهد در دست نیست. از این روی می‌توان آغاز استخراج آن را به عصر حاکمیت سلجوقیان نسبت داد.

زاج سفید که از معادن اطراف آفسرا، سیواس و کوتاهیه به دست می‌آمد از آغاز قرن سیزدهم میلادی جزء تولیدات صادراتی به حساب می‌آمد و یکی از منابع عمده تأمین درآمد سلجوقیان محسوب می‌شد (Cahen, 1986: 159-60). در آغاز ورود مغولها به آناتولی و هنگامی که «ویلیام روبروک» از این منطقه عبور می‌کرد، تجارت زاج سفید به طور انحصاری در دست دو تاجر ونیزی و ژنوایی بود که یکی در سوریه متولد شده بود و دیگری از رعایای قبرس به حساب می‌آمد (Cahen, 1986: 318-19, storia, 2002 : 4).

علاوه بر زاج، معادن نمک، لاجورد، نقره و آهن نیز در آناتولی وجود داشته است. «العمری» از وجود سه معدن مهم نقره در «گمشخانه»، «لؤلؤ» و «بایبرت» (گمشخانه) یاد می‌کند که دومی در زمان علاءالدین کیقباد از ارامنه کیلیکیه گرفته شده بود. از نقره استخراجی حاصل از این معادن در ضرب سکه استفاده می‌شد. این سه معدن همان معادنی هستند که «پدر سیمون» در اواسط قرن ۱۳م به آنها اشاره می‌کند. معادن مس هم در منطقه فراوان بود و تا زمان سفر «مارکوپولو» و بعدها «بن بطوطه» مورد استخراج و استفاده بوده‌اند (Cahen, 1986 : 161, 320).

اقتصاد صنعتی آسیای صغیر نیز رشد ویژه‌ای داشت. اگرچه اطلاعات بیشتر در خصوص وضعیت صنعتی روم از منابع عصر ایلخانی به دست می‌آید اما با توجه به موقعیت خاص منطقه در عصر سلاجقه می‌توان وضعیت موجود در عصر ایلخانان را به عصر سلجوقیان نیز نسبت داد. بافت قالی که به محصولات مختلفی اطلاق می‌شد و منسوجات گلدوزی شده و فرشهای منگوله‌دار و قالی به مفهوم امروزی آن را در برمی‌گرفت شهرت زیادی داشت و بویژه آنچه که در «سیواس و آفسرای» می‌یافتند پرمشتری بوده است (آناتولی، ۱۳۵۴: ۲۳۲). کالاهای تولیدی منطقه که بنابر نقل «سیمون» در انگلستان و فرانسه نیز پرمشتری

بوده‌اند و منسوجات آن که بعدها ابن بطوطه از آنها سخن می‌گوید از حداقل تولیدات صنعتی منطقه به شمار می‌رفته‌اند. در این خصوص حکومت سلجوقی از تجربیات اقلیت‌های ارمنی و گرجی که در زمینه منسوجات تبحر داشتند نیز بهره می‌گرفت. در صنعت سرامیک و کوزه‌گری، صنایعی که از ایران وارد منطقه شده و رو به رشد نهاده بود، نیز سرزمین آناتولی پیشرفت کرده بود و در آغاز قرن سیزدهم تولیدات خاص خود را داشت (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۷۰-۳۴۵، ۱۶۱-۶۲: Cahen, 1986).

این رونق اقتصادی تنها به تجارت محدود نبود. در زمینه کشاورزی و دامپروری نیز آناتولی تحت سلطه سلجوقیان وضعیت مناسبی داشت. «سیمون» که قبل و بعد از نبرد کوسه‌داغ (سال ۱۲۴۳ م / ۶۴۱ هـ. ق. در آناتولی به سرمی‌برد به طور مشخص از وجود کاریزهای متعدد و رونق حیات اقتصادی در مناطق روستایی و حومه شهرها سخن می‌گوید. وی از گله‌های بزرگ بز و گوسفند که از پشم و موی آنها در بافت منسوجات استفاده می‌کردند سخن گفته و نفوذ سلجوقیان را در مناطق شهری و غیرشهری ستایش کرده است. «ابن سعید» که مقارن تسلط مغولها بر شام مطالب خود را می‌نوشت از زبان مسافرانی که به آناتولی سفر کرده بودند از ثروت و غنای مناطقی که در امتداد جاده‌های تجاری قیصریه به سیواس یا آقسرای به قونیه قرار داشتند سخن گفته و از چراگاهها و باغهای متعدد میوه یاد کرده است. در این باغها میوه‌های گوناگونی همچون زردآلو، آلوگوجه، گلابی، لیمو، هلو، شفتالو، بادام و دیگر محصولات به دست می‌آمده و زردآلوی معروف به قمرالدین که محصول صادراتی بوده و بعدها ابن بطوطه نیز از صدور آن به مصر و اروپا یاد می‌کند در این منطقه به عمل می‌آمده است. ابن سعید آورده است که این چوبها از قسطنطنیه به سینوپ برده می‌شد و برای ساخت زرادخانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. ابن بطوطه هم از وجود اراضی حاصل‌خیز در امتداد جاده ارزنجان به ارزروم نیز یاد کرده و از صدور چوبی که از مناطق کوهستانی جنوب آناتولی به دست می‌آمده و به مصر صادر می‌شده است سخن گفته است.

رونق کشاورزی و دامپروری سرزمین آناتولی به وسیله دیگر مورخین قرون هفت و هشت هجری نیز توصیف شده است. «العمری» هم که از تولید میوه‌هایی همچون لیمو، پرتقال و موز در نواحی ساحلی مدیترانه یاد می‌کند از پرورش گله‌های گوسفند و اسب و استر و بهره‌گیری از پشم و پوست آنها در امور صنعتی سخن می‌گوید. همین طور از رشد فراوان غله و به خصوص گندم و جو در سراسر منطقه یاد کرده و متذکر می‌شود که بخشی از خراج پرداختی به مغولها از محل همین غلات و یا اسب و گوسفند و استر بوده است. هم «العمری» و هم «ابن سعید» از تعداد فراوان روستاهایی که در امر کشاورزی و دامپروری فعال بودند سخن گفته‌اند. ابن سعید از وجود چهارصد هزار روستا در آناتولی سخن گفته که در آغاز قرن ۱۴م حدود سی و شش هزار مورد از این روستاها رو به ویرانی نهاده بود. البته ابن سعید روشن نمی‌کند که ویرانی این روستاها به چه علت بوده است. اگر ویرانی این روستاها را به عملکرد مغولها نسبت ندهیم شاید بتوان علت آن را به رشد شهرنشینی و رونق تجاری حاصل از آن که در منابع این عصر انعکاس یافته است مربوط دانست.

### آناتولی، از نفوذ مغولها تا سلطه ایلخانان

علاءالدین کیقباد که با اقدامات سیاسی، نظامی و اقتصادی خویش، آناتولی را به یکی از مراکز مهم تجاری جهان تبدیل کرده بود، در سال ۶۳۳ ه.ق درگذشت و با مرگ او که با تهاجم گسترده مغولها به سرکردگی «بایجو نویان» به منطقه همراه بود، یک دوره ضعف و انحطاط سیاسی بر منطقه حاکم شد. به طور قطع شکست سنگین سلاجقه در برابر مهاجمین مغول در «کوسه داغ» که در سال ۶۴۱ ه.ق رخ داد و به دنبال آن مغولها «سیواس» و «قیصاریه» را گرفته و پس از عبور از «ملطیه» به تصرف و قتل در «ارزنگان» پرداخته و «غیاث‌الدین کیخسرو دوم» را مجبور به پذیرش اطاعت با شرایط سنگین نمودند، آغاز مشخص این دوره ضعف بوده است. پس از مرگ غیاث‌الدین کیخسرو در سال ۶۴۴ ه.ق تا زمان آمدن هولاکو به ایران در نتیجه تشتت در امر جانشینی کیخسرو اوضاع سیاسی آناتولی از گذشته نیز بدتر شد و به تبع آن مغولها نفوذ بیشتری در آناتولی پیدا کردند (آقسرای، ۱۹۴۳: ۲۷-۱۹). از این زمان اگرچه پاره‌ای از تحولات سیاسی این خطه تابع نوع



مناسبات و عملکرد حکام دشت قبیچاق (اولوس جوجی)، امپراتوری بیزانس (که از سال ۱۲۶۰م بار دیگر قسطنطنیه را به دست آورده بود) و فرماندهان اعزامی دربار مرکزی مغول به خطه غربی بود، اما از هنگام آمدن هولاکو و شکل‌گیری حکومت ایلخانی، سرزمین آناتولی به عنوان یکی از ایالت‌های بیست‌گانه این دولت به حساب می‌آمد و تا زمان ایلخانی الجایتو که همان اندک اقتدار سلجوقیان در منطقه از بین رفت، سلاطین کاملاً دست‌نشانده سلجوقی در اداره قلمرو خویش از استقلال برخوردار نبودند. در عصر ایلخانان تاریخ سیاسی-اقتصادی روم تابع سیاستها و وضعیت کلی حاکم بر قلمرو ایلخانی بود؛ منتها نظر بر موقعیت استراتژیک این خطه و آنچه که سیاست خارجی ایلخانان اقتضا می‌کرد آناتولی دوران پررونق‌تری در تاریخ اقتصادی خویش آغاز کرد و آنچه که در عهد سلاطین مقتدری همچون غیاث‌الدین کیخسرو اول و علاءالدین کیقباد اول به وجود آمده بود به اوج خود رسید (Tarih II, 1993: 283-84).

### اوضاع اقتصادی آناتولی در عهد ایلخانان

لشکرکشی هولاکو به خطه شام و شکست مغولها از مملوکان که امکان بهره‌برداری ایلخانان از بنادر شام را از بین می‌برد و شروع درگیری با خاندان جوجی که امکان دسترسی ایلخانان به بنادر کریمه را از راه قفقاز سلب می‌نمود، روز به روز اهمیت آناتولی را برای مغولها بیشتر کرد و حضور فعال اروپائیان در منطقه به همراه مرکزیت سیاسی ایلخانان در آذربایجان، راه بهره‌برداری آنها از موقعیت ویژه تجاری این سرزمین را هموار نمود. با پیشرفتهای تدریجی مالیات در شام و شکست و عزیمت حکومت‌های صلیبی‌نشین از منطقه، تجار اروپایی نیز هر چه بیشتر به آناتولی و همین‌طور ارمنستان صغیر که یکی از متحدان سیاسی ایلخانان و واسطه (سیاسی-اقتصادی) میان آنها و اروپائیان بود روی آوردند و راههای اصلی تجارت شرق و غرب متوجه این منطقه شد. از این پس بخش عظیمی از مناسبات تجاری ایران با اروپا، دشت قبیچاق و حتی مصر و شام از طریق این منطقه و به وسیله تجار اروپایی انجام می‌شد و مشکل مناسبات تجاری ایلخانان با خوانین دشت قبیچاق و مصر که از اختلافات سیاسی و نظامی ناشی می‌شد تا حد زیادی کم‌رنگ جلوه می‌کرد.

چرا که تجار اروپایی که در هر سه قلمرو ایلخانان، مملوکان و دشت قبیچاق فعالیت داشتند در مرادیه با این قدرتهای سه‌گانه نقش میانجی را ایفا می‌کردند و از بستن مناسبات اقتصادی ناشی از اختلافات سیاسی ممانعت می‌نمودند. آنها کالاهایی را که از بازرگانان ایرانی می‌خریدند به اروپا، دشت قبیچاق و حتی مصر می‌بردند و به عکس کالاها و محصولات این مناطق را از طریق راههای تجاری معطوف به «ترابوزان» و یا بندر «یاس» به ایران می‌فرستادند و به این ترتیب تجارت دریای مدیترانه و دریای سیاه به خلیج فارس مربوط می‌شد (Nejat, 1997: 213). از این گذشته سرزمین آناطولی جزئی از قلمرو ایلخانان بود و شهرهای منطقه و حکومت مرکزی از منافع تجاری ناشی از این مناسبات چندگانه استفاده فراوان می‌بردند. آبادانی و رونق ویژه شهرهای آناطولی در زمان ایلخانان که منابع این عصر به صراحت آن را بیان می‌کنند و همین‌طور دگرگونی مسیر جاده‌های تجاری و منتهی شدن تمامی آنها به آناطولی مؤید این واقعیت است ( tarih II, 1993: 283). البته تمامی مناطق آناطولی رونق سابق خود را نداشتند و طبیعی بود که در نتیجه اختلافات میان ایلخانان و ممالیک، قدری از رونق تجاری بنادر جنوبی روم کاسته شود. بویژه پس از رانده شدن صلیبیون از سواحل شام و کاهش نفوذ تجار ایتالیایی در این منطقه بنادر جنوبی کم‌رونق‌تر شدند. گاهی اوقات بنادر ساحلی دریای سیاه نظیر «سینوپ» و «سامسون» هم در نتیجه مناسبات اقتصادی ممالیک و فرمانروایان اولوس جوجی (مناسباتی که به وسیله ژنوبی‌ها انجام می‌گرفت و بنابر ملاحظات خاص خود آن را هدایت می‌کردند) رونق سابق خویش را از دست می‌دادند اما به‌طور کلی در سراسر دوران ایلخانان از رشد کافی برخوردار بودند (Cahen, 1986: 321).

در زمان سفر «روبروک» که از راه دریای سیاه به دشت قبیچاق رفت، راههای تجاری منطقه پررونق بود و تجار مسلمانی که در سواحل شمالی این دریا تجارت می‌کردند بی‌شمار بودند (بالنت، ۱۳۶۳: ۳۱-۱۲۲). «روبروک» که در سال ۶۵۱/م ۱۲۵۵ ه. ق از قونیه (کنسول‌نشین ونیزیان) می‌گذشت بازرگانان اروپایی بسیاری را در این شهر دیده و متذکر می‌شود که تجارت «زاج سفید» (شاب) در انحصار دو نفر از بازرگانان اروپایی به نامهای «نیکولو» از دولت شهر ژانو و «بونیفاسیو» از ونیز بوده است (storia, 2002. p.4).

«فوجه»، شهری که در زمان مسافرت ابن بطوطه در دست مسیحیان بود اما هر ساله باجی را به حاکم مغنسیا می پرداخت، دارای معادن زاج سفید بود و تجار ژنوبی انحصار استفاده از معادن آن را داشتند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ج ۱، ۳۷۱، ۵۵۹). سیواس بزرگترین شهر منطقه، نقش مهمی در تجارت داشت و «صوف» سیرافی، مشهور خاص و عام بود. ابن بطوطه از آبادانی آن و خیابان‌های وسیع و بازارهای پرجمعیت آن یاد کرده و جایگاه برجسته اهل اخوت را در آن می‌ستاید (همان: ۶۰-۳۵۹). سینوپ و سامسون بنادر تجاری مهم منطقه بودند و ارتباط تجاری قسطنطنیه و ترابوزان با بنادر کریمه از این طریق انجام می‌شد (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ج ۱، ۳۸۶؛ رانسیمان، ۱۳۶۰: ۳۵-۴۳۰). شهرهای آماسیه، ارزنجان، قیصریه، ارزروم و بنادر جنوبی آناتولی و در رأس آنها علائیه و آنتالیا به شدت مورد توجه بودند و بخش عمده مناسبات تجاری دنیا از طریق همین بنادر و شهرها صورت می‌گرفت (ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۵۱-۴۳۱؛ ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ج ۱، ۴۷-۳۴۶).

هرچند رونق تجاری دریای سیاه و شهرهای پیرامون آن دارای پیشینه‌ای قبل از دوران ایلخانان بود اما در این زمان اهمیت آن دوچندان شد و تحت تأثیر شرایطی که امپراتوری گسترده مغولها ایجاد کرده بود رشد بیشتری کردند. روابط نزدیک خاندان هولاکویی با پادشاهان ترابوزان، قسطنطنیه و ارمنستان صغیر و دشمنی مشترک اینها و مسیحیان صلیبی با مملوکان نیز در این رونق نوظهور تأثیر زیادی داشت (Togan, 1970: 333). نیاز مبرم ایلخانان به منافع ناشی از تجارت که می‌بایست جانشین کشاورزی رو به انحطاط رفته برخی از مناطق ایران می‌شد نیز اهمیت تجاری آناتولی را دوچندان می‌کرد. «مارکوپولو» در اواسط عهد ایلخانی، رونق صنعت و تجارت آناتولی را ستوده و متذکر می‌شود که: «زیباترین فرشهای دنیا، پارچه‌هایی از ابریشم قرمز و رنگهای بسیار زیبا و دلپسند در اینجا می‌یافتند و اشیای گرانبهای زیادی درست می‌کنند» (مارکوپولو، ۱۳۶۳: ۳۳). ابن بطوطه نیز آناتولی را زیباترین سرزمین دنیا نامیده و صداقت و خلوص مردم آن را ستوده است. وی «علائیه» را شهر بزرگی در ساحل دریا و محل رفت و آمد تجار مصر و اسکندریه و شام دانسته که چوب مورد نیاز مصریان از طریق این بندر به اسکندریه و دمیاط و سایر شهرها صادر می‌شده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۴۶). آنتالیا را نیز به عنوان شهری بزرگتر و پر رونقتر آورده و متذکر

می‌شود که هر دسته از بازرگانان بسته به قومیت یا دینشان در محله مخصوصی به سر می‌بردند که هر کدام از این محلات بازار و باروی مخصوص به خود داشته و در شب و مواقع تعطیل، دروازه‌های آن را می‌بسته‌اند. نوعی زردآلوی معروف به «قمرالدین» که هسته شیرین آن به مصر و اروپا صادر می‌شد در این شهر به عمل می‌آمد و پارچه‌های لطیف موسوم به «زردخانی» نیز در همین شهر تولید می‌شد (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۴۷). رونق بازار «لاذقیه» و بافت پارچه پنبه‌ای بسیار ظریفی موسوم به «لاذقی» که توسط زنان مسیحی شهر بافته می‌شد نیز نظر او را جلب کرده است. در «آق سرا» فرشهای مخصوص و بی‌نظیری از پشم گوسفند بافته می‌شد و به سراسر شام و عراق و مصر و هندوستان و چین صادر می‌کردند. در ارزنجان معادن مس وجود داشت و ظروف مسی و پیه سوز در آنجا تولید و صادر می‌شد. «گمشخانه» دارای معادن بزرگ نقره و محل رفت و آمد تجار عراق و شام بود و قیساریه و قونیه رونق اقتصادی فراوانی داشتند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۶۲-۳۵۵). اسب و دیگر حیوانات اهلی هم از «قسطمونیه» صادر می‌شد (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۸۴). ابن بطوطه همچنین از نوعی جامه زردوزی شده موسوم به «نخ» که در شهر «ایاسلوق» (افسوس) به او هدیه شده بود، جامه‌های «کمخا» (پارچه‌های ابریشمی زربافت) که علاوه بر آناتولی در شهرهای بغداد، تبریز، نیشابور و ممالک چین هم تولید می‌شدند و پارچه‌های دیگری موسوم به «ملف، مرغر و قدسی» یاد کرده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ج ۱، ۳۶۹، ۵۵۸). همین طور از تشکیلات اصناف و پیشه‌وران شهرهای منطقه و ارتباط تنگاتنگ آنها با مجامع فتوت که پویایی اقتصادی به دنبال داشت سخن گفته و نظم و قواعد تشکیلاتی آنها را ستوده است. (رک. همان: ۷۰-۳۴۶). گزارشهای مستوفی نیز رونق حیات شهری این منطقه را تأیید می‌کند. وی از حقوق دیوانی سیصد و شصت تومانی خطه آناتولی و رونق و عظمت شهرها به همراه تولیدات کشاورزی و تجاری منطقه یاد می‌کند. در زمان مستوفی آناتولی دارای شصت شهر آباد و بعضاً بسیار پررونق بود و صنعت و تجارت رو به رشدی داشت (مستوفی، ۱۳۶۶: ۱۱۶-۱۰۹).

از جمله کالاها و محصولات صادراتی این بلاد، گندم، برنج و پنبه که به مقدار زیاد در آناتولی به عمل می‌آمدند، تولیدات مسین که بیشتر در دیار بکر و قسطنطنیه تولید می‌شدند،

آهن، نقره و دیگر عناصری که از معادن «بایبرت» و «گمشخانه» استخراج می‌شدند و زاج سفید که از قونیه به دست می‌آمد بوده است. همین طور ابریشم، چوب، قالی، منسوجات ابریشمی و پنبه‌ای و برده از این سرزمین به اروپا و کشورهای اسلامی صادر می‌شده است. برخی از منسوجات، صابون، شراب و فلزاتی همانند قلع و سرب هم از اقلام وارداتی به این منطقه بوده است (Storia, 2002: 2).

علاوه بر شهرهای آناتولی که به طور مشخص جزئی از قلمرو ایلخانان به شمار می‌رفتند دو بندر مهم ترابوزان و ایاس که حجم عمده معاملات تجاری غرب و شرق در آنها متمرکز بود و تجارت عهد ایلخانی از طریق سرزمین آناتولی به آنها می‌پیوست نیز سهم عمده‌تری در رونق تجاری آناتولی داشتند (Cahen, 1986: 322). ترابوزان از دوران گذشته مورد توجه مسلمانان بود و بخشی از مناسبات تجاری مسلمانان و بیزانسی‌ها در عهد بنی عباس از طریق این بندر انجام می‌گرفت. مسلمانان از طریق «ملطیه» و شهرهای کنار فرات به ترابوزان رفت و آمد می‌کردند و اهمیت آن به حدی بود که دریای سیاه را «بحر طرابزنده» می‌نامیدند (لسترنج، ۱۳۶۴: ۱۴۵). در آخرین سالهای حکومت سلجوقیان در روم، نقش تجاری ترابوزان چند برابر شد و سکونت تجار ژانویی در این بندر و رفت و آمد دیگر تجار اروپایی به آن، نقش مهمی در این خصوص ایفا کرد. «ابوالفدا» که در سال ۷۲۱ هـ. ق کتاب خود را نوشته است آن را بندری مشهور و پر رونق ذکر کرده (ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۴۵۳) و «مستوفی» که آن را جزئی از قلمرو ارمنستان صغیر می‌آورد از آن به عنوان معظم بلاد این ناحیه یاد کرده و متذکر می‌شود که عمده راههای تجاری که از آذربایجان می‌آید به این شهر ختم می‌شود (مستوفی، ۱۳۶۶: ۱۱۷).

صرف‌نظر از فعالیت‌های تجاری، مناسبات سیاسی ایلخانان با دول اروپایی از همین طریق انجام می‌گرفت و رفت و آمد رسولان از راه همین منطقه بود (جوادی، ۱۳۷۸: ۹۶-۹۲). این شهر که از حدود دوهزار سال پیش از میلاد به این سوی سابقه سکونت داشته، از قرن چهارم پیش از میلاد کانون تجاری حوزه مدیترانه بوده است. این شهر در عصر سلجوقیان، در پی اسارت الکسیوس اول به دست غیاث‌الدین کیخسرو خراجگزار سلجوقیان

شد و پس از استیلای مغول وابسته مغولها بود. (Trabzon, in: Maydan Iarousse). ایلخانان در راستای دشمنی با مملوکان، عمده توجه خویش را معطوف به رونق بخشیدن به تجارت آناتولی کردند و به ویژه پس از اخراج صلیبیون از بنادر شام، نظر به ارتباط نزدیک اروپاییان با ایلخانان، تجار این ممالک نیز فعالیت‌های تجاری خود با شرق را در این منطقه متمرکز کردند. از این روی حیات تجاری منطقه رو به رشد نهاد. به ویژه ترابوزان در این عهد رونق تجاری خاصی داشت و یکی از مراکز اصلی تجارت جهانی در مسیر جاده ابریشم بود. راههای تجاری از این شهر شروع می‌شد و به سمت آذربایجان امتداد می‌یافت و از آنجا به دیگر بلاد می‌رفت. این جاده از ترابوزان به ارزروم، از آنجا به خونس، ملازگرد، ارجیش، خوی، مرند و تبریز می‌رفت و ارتباط میان تبریز، پایتخت ایلخانان با ترابوزان و در کل بخشی از تجارت غرب و شرق از طریق آن انجام می‌شد (رک. مستوفی، ۱۳۳۶: ۸۳-۱۷۳؛ جوادی، ۱۳۷۸: ۱۱۱). ترابوزان در ادوار بعدی پس از دوران ایلخانان نیز اهمیت ویژه خود را در مناسبات تجاری و سیاسی ایران و اروپا حفظ کرد و در عهد آق‌قویونلوها و صفویها نقش مهمی در این زمینه داشت. بندر «ایاس» (Ayas) در ساحل غربی خلیج اسکندرون هم در مناسبات تجاری سهم زیادی داشت. به ویژه پس از تصرف بنادر تجاری شام توسط مملوکان، بیشتر تجار اروپایی که در این مراکز فعالیت می‌کردند به این بندر روی آوردند (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۲۷۱). اهمیت تجاری ایاس و دیگر شهرهای ارمنستان صغیر به حدی بود که بخشی از تلاشهای مملوکان، متوجه اعمال فشار دائمی بر این منطقه برای برخورداری از منافع اقتصادی آن بود. در آخر هم حیات سیاسی حکومت ارمنستان صغیر تحت تأثیر همین امر پایان یافت (مقریزی، ۱۳۵۵: ۳۴؛ ابوالفداء، ۱۳۲۵: ۵۴).

حیات اقتصادی دیگر شهرهای نزدیک به دریای سیاه نیز رونق خاص خود را داشت و از موقعیت کلی منطقه بهره‌مند بود. «سخوم»، شهری که در شمال شرقی ترابوزان و نزدیکی بلاد گرجستان قرار داشت و «بخاز» در گرجستان نیز از این حیث وضع خوبی داشتند. در آن سوی شرقی‌تر این ولایات شهر «گنجه» و شهرهای دیگر اران، شروان و گشتاسفی و گرجستان نیز از اهمیت فراوانی برخوردار بودند (بارتولد، ۱۳۷۲: ۳۷-۲۳۱). آبادانی و رونق تجاری این مناطق نیز در تعالی اقتصادی آناتولی مؤثر بود و آن را به یکی از آبادترین

ایالت‌های عهد ایلخانی تبدیل کرده بود. حضور فعال اروپاییان در این منطقه نیز بر رونق آن می‌افزود. اروپاییان که از دوران حاکمیت سلاجقه و از زمان جنگ‌های صلیبی در منطقه حضور داشتند با بهره‌گیری از زمینه‌های سیاسی این عهد بر حوزه فعالیت خود افزودند و در رشد تجاری منطقه سهم زیادی ایفا کردند. هرچند که بخش مهمی از تجارت موجود در آناتولی به صورت ترانزیت بود و در برخی اوقات در انحصار برخی از غیر مسلمانان بود، اما در همان سطح نیز در رونق اقتصادی روم تأثیر مثبت می‌گذاشت. تجار ژنوایی که از سال ۱۳۰۰م در بندر سیواس نمایندگی تجاری ایجاد کرده بودند از همین طریق با آذربایجان در ارتباط بودند و بخش مهمی از مناسبات تجاری ایران و شبه جزیره کریمه توسط آنها انجام می‌شد. تجار ونیزی نیز همانند قبل در قونیه و دیگر نقاط این منطقه حضور فعال داشتند و بخشی از تجارت آناتولی در دست آنها بود. همین طور از حضور تجار فلورانس و پیزیایی نیز گزارش‌هایی بر جای مانده است. این در حالی است که با وجود مشکلاتی مناسبات میان قبرس و آناتولی که از طریق آنتالیه انجام می‌شد همچنان ادامه داشت (Cahen, 1986: 324). توجه ایلخانان به حفظ امنیت و ثبات و ایجاد ایستگاه‌های تجاری و حفاظت از آنها، نظیر تلاش‌های «معین‌الدین پروانه» و بعدها «فخرالدین علی» که با اقدامات خویش امنیت را برقرار می‌کردند و تجار را تشویق می‌نمودند نیز در این رشد تجاری مؤثر بود (Cahen, 1986: 323). انجام این گونه اقدامات در سراسر عصر ایلخانان ادامه داشت و «پگولوتی» در عصر مسلمانی ایلخانان به برخی از آنها اشاره کرده است (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۲-۱۱). در زمان ایلخانان کاروانسراها، رباطها و پل‌های متعددی ساخته شد و راه انجام مناسبات تجاری هموارتر شد. گرفتن مالیات منطقه به صورت «تمغا» که از همان ابتدای عصر ایلخانی معمول شد و شخص «شمس‌الدین محمد جوینی» برای انجام این امر به آناتولی سفر کرد نیز بی‌ارتباط با رونق تجاری منطقه نبوده است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۷۷۰).

## نتیجه‌گیری

آناتولی از قدیم‌ترین ازمه مورد اهمیت بود و منطقه تلاقی اقوام مختلف به حساب می‌آمد، تا قبل از قرن پنجم هجری وضعیت سیاسی-اقتصادی مشخصی نداشت و در نتیجه مشکلات طبیعی و منازعات سیاسی قدرتهای موجود، زمینه‌های رشد کمتری در اختیار داشت. سلجوقیان روم پس از تثبیت موقعیت خویش در این منطقه به تسلط بر راههای اصلی تجاری و تصرف بنادر مورد توجه آن زمان پرداختند و با ایجاد امنیت و ثبات در آناتولی موجب توجه قدرتهای مطرح تجاری به این خطه شدند. با پیدایش حکومت ایلیخانان، اهمیت اقتصادی آناتولی به عنوان یکی از ایالت‌های چندگانه این حکومت رو به رشد گذاشت و حیات اقتصادی و اجتماعی آن از پویایی زیادی برخوردار شد. مهاجرت تعداد زیادی از تجار، صنعتگران، متصوفه و اندیشمندان که در زمان تهاجم مغول به آناتولی روی آورده بودند، رشد تصوف و فتوت در منطقه، مرکزیت حکومت ایلیخانان در غرب ایران، لزوم مقابله جدی با ممالیک و حکام دشت قباچاق، شکست صلیبیون از مملوکان که اروپائیان را مجبور به استفاده از بنادر دریای سیاه و مدیترانه می‌کرد و ملاحظات اقتصادی مورد نظر ایلیخانان، موجبات رونق اقتصادی آناتولی را فراهم آورد و یکی از پررونق‌ترین اعصار را در تاریخ آن رقم زد.



## کتابنامه

- ۱- آقسرایبی، کریمک، (۱۹۴۳)، *مسامره الاخبار و مسایره الاخبار*، به اهتمام عثمان توران، آنقره، چاپخانه انجمن ترک.
- ۲- آناتولی. (۱۳۵۴)، *در دانشنامه ایران و اسلام*، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶)، *سفرنامه*، ترجمه محمد علی موحد، ج ۲، چ ۶، تهران، انتشارات آگه.
- ۴- ابن بی‌بی، یحیی بن محمد بن علی جعفری. (۱۹۰۲)، *مختصر سلجوقنامه*، باهتمام هوتسما، لیدن.
- ۵- ابن واصل، جمال‌الدین ابی‌المحسن. (۱۳۶۹)، *مفرج الکروب فی تاریخ بنی ایوب*، ترجمه پرویز اتابکی، جزء چهارم، تهران، نشرنی.
- ۶- ابی‌الفدا، عماد‌الدین اسماعیل. (۱۳۲۵)، *المختصر فی اخبار البشر*، الجزء الرابع، بالمطبعه الحسينيه المصريه.
- ۷- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۹)، *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۸- اقبال، عباس. (۱۳۷۲)، *تاریخ مغول*، چ ۶، تهران، امیرکبیر.
- ۹- اوجاق، یاشار و میکائیل بایرام. (۱۳۸۷)، *جنبش‌های عرفانی- سیاسی در زمان سلجوقیان*، ترجمه محمدتقی امامی خوبی، با مقدمه دکتر ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، انتشارات گواه.
- ۱۰- بارتولد، و. و. (۱۳۷۲)، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سردادور، چ ۳، تهران، انتشارات توس.
- ۱۱- بلانت، ویلفرید. (۱۳۶۳)، *جاده زرین سمرقند*، ترجمه رضا رضایی، تهران، انتشارات جانزاده.
- ۱۲- پولو، مارکو. (۱۳۶۳)، *سفرنامه مارکوپولو*، ترجمه منصور سجادی، تهران، انتشارات گویش.

- ۱۳- جوادی، حسن. (۱۳۷۸) *ایران از دید سیاحان اروپایی*، از قدیم‌ترین ایام تا اوایل عهد صفویه، تهران، نشر بوته.
- ۱۴- رانسیمان، استیون. (۱۳۶۰)، *جنگ‌های صلیبی*، ترجمه منوچهر کاشف، ج ۳، چ ۲ تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۵- رشیدالدین فضل‌الله همدانی. (۱۳۶۲)، *جامع التواریخ*، به کوشش بهمن کریمی، چ ۲، تهران، انتشارات اقبال.
- ۱۶- کاشفی، مولانا حسین واعظی. (۱۳۵۰)، *فتوت‌نامه سلطانی*، به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۷- گولینارلی، عبدالباقی. (۱۳۶۶)، *مولویه بعد از مولانا*، ترجمه توفیق سبحانی، تهران، کیهان.
- ۱۸- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۴)، *مولانا جلال‌الدین، زندگانی، فلسفه، آثار و گزیده‌های از آنها*، ترجمه و توضیحات توفیق هاشم‌پور، چ ۴، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۹- مستوفی، حمدالله. (۱۳۳۶)، *نزهة القلوب*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، انتشارات کتابخانه طهوری.
- ۲۰- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۱)، *نزهة القلوب*، به تصحیح محمد دبیرسیاقی، قزوین، انتشارات حدیث امروز.
- ۲۱- مشکور، محمدجواد. (۱۳۵۰)، *اخبار سلاجقه روم*، تهران، کتابفروشی تهران.

22- Cahen, Claud, (1986), *Pre - Ottoman Turkey (1071-1330)*, Translated from The French By j, Jones- Williams, London, Sidgwick 8 Jackson.

23- Nejat goyunc, (1997), *uluslar arasi hstanbul Fethi Konferansi*, Istanbul.

24- Storia. May 2002, in: <http://www.e-turchia.Com/storia6.htm>.

- 25- Togan, azeki velidi, (1970), *umomi Turk Tarih*, Negiris Istanbul.
- 26- Tarih II, (1993), *Ortazamanlar Maarif vekalati milli Talim va tarbiye dairesinin*, Istanbul, devlet matba asi.
- 27- Trabzon, In; *Meydan larousse*, buyuk lugat ansjklopedi, Vol.19.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی